



دشمن و دسته‌بیل!

آمریکا خواهان ورود حکومت جمکران به جنگ عربستان و یمن به بهانه پشتیبانی از «شیعیان» یمن است، و این مطالبات نه تنها در رسانه‌های حکومت «مستقل» جمکران مطرح می‌شود، که «ساتاس» نیز خواسته‌های ارباب را در وقوفیه‌ها «بازتولید» می‌کند تا ائمه جمعه با رعایت «وحدت کلمه»، ضمن معلق زدن برای ارباب آن‌ها را تکرار کنند.

انتشار یافته. در واقع گورکن‌ها برای کارفرمایان روپرت مردخای در لندن و واشنگتن پامنبری می‌خوانند.

پس از انتشار مقاله «عقلانی» وال ستریت جورنال در باب «تمایل» ایرانیان به بازگشت به دوران شیخ مهدی بازرگان، مشاور اوباما در امور خاور نزدیک و آسیا، «بروس ریدل» نیز یک سخنرانی مبسوط در تأیید مطالبات «طاعون سبز» ایراد کرد، که از قضای روزگار در هم‌سوئی کامل با خطبه‌های نماز جمعه امروز تهران قرار گرفته! بله چارچوب سیاست «نوین» و در واقع تکراری انگلوساکسون‌های دو سوی آتلانتیک در ایران مشخص شد: یک دوره کوتاه حکومت «مردمی» با شرکت چاقوکش‌های «فکل - کراواتی» نهضت عاظادی و آیات عظام «مترقی» و به ویژه «خلخال آن زن یهودی» که برای استقرار حکومت توحش عدالت علوی الزامی خواهد بود. سپس یک کودتای «مردمی» و سفارشی نظیر اشغال سفارت آمریکا لازم داریم. این کودتا برای ورود حکومت جمکران به جنگ استعماری «یمن - عربستان»، جهت قانون‌شکنی بیشتر و نقض تعهدات در برابر گروه «۱ + ۵»، و تحمیل «شرایط ویژه» بر ملت ایران الزامی است. خلاصه بگوئیم، جهت لات‌بازی در داخل، و نقض مقررات و تعهدات بین‌المللی در خارج از مرزها، قرار است ابتدا گورکن‌ها به دوران امام «روشن ضمیر» و دولت شیخ مهدی باز گردند، تا ارادل و اوباش به رهبری ماشاالله قصاب خیابان را به اشغال در آورده، «پیروان خط امام» برای عقب‌راندن به اصطلاح لیبرال‌ها که همان «فکل - کراواتی‌های» فدائیان اسلام‌اند، با اشغال یک «لانه جاسوسی» دیگر،

پیش از ادامه مطلب یادآور شویم حکومت «غیردینی» هیچ ارتباطی با دموکراسی ندارد. دیکتاتوری‌های کره شمالی، برمه، چین مائوئیست و ... همه «غیردینی» و ضددموکراتیک به شمار می‌روند. اگر حاکمیت دموکراتیک الزماً «سکولار» است، هر حاکمیت سکولاری دموکراتیک نیست. این مختصر را محض اطلاع «وال ستریت جورنال» بینوا گفتیم که قیاس به نفس کرده مخاطب را کودن می‌انگارد. ورق‌پاره روپرت‌مردخای نه تنها فکل کراواتی‌های فدائی‌اسلام را «سکولار» می‌خواند که «فاشیست - مسلمان‌های» آدمخوار گروه خاتمی را «طرفدار دموکراسی» جا زده. ترجمه این مطلب در وبلاگ «سرباز کوچک» موجود است.

امروز بپردازیم به تلاش‌های اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن برای برآوردن آرزوهای «طاعون سبز»، و بازگرداندن ملت ایران به دوران شیرین و همچون عسل صدارت «مردمی» شیخ مهدی بازرگان که در آن ماشاالله قصاب به تنهایی نقش «مردم» را ایفا می‌کرد. به ادعای «وال ستریت جورنال»، دولت آخوندهای فکل کراواتی نهضت عاظادی «سکولار» بوده. دلیل مهر و محبت گاوچران‌ها به دولت شیخ مهدی بازرگان این است که حکومت «مردمی» و «سکولار» ایشان به کودتای ۱۳ آبان و جنگ خداپسندانه ۸ ساله انجامید و نان کرکس‌های نژادپرست را در روغن شناور ساخت.

در راستای چنین سیاستی است که امروز آخوند صدیقی در وقوفیه تهران می‌گوید، زندگی انسان در این جهان نیست، باید خود را برای «آن جهان» آماده کنیم! البته این چرندیات تداوم مزخرفاتی است که در «وال ستریت جورنال»، روزنامه حق‌طلب و دینی «روپرت مرداک»

ضمن اجرای نمایشات مهوع «افشاگری»، بمب‌شان را هم رو کنند!

با در نظر گرفتن اعلام آمادگی «هیزاکسنسی» جهت «تعامل» با حکومت گورکن‌ها، اینبار می‌توان سفارت انگلستان را اشغال کرد، و جنگ زرگری با اسرائیل را تا پایان جهان ادامه داد. بله در گیرودار همین تحولات، و پس از مصاحبه معروف «هیزاکسنسی»، موافقت ضمنی بعضی مقامات فرانسه نیز با تجهیز گورکن‌ها به سلاح هسته‌ای اعلام شد. و خلاصه همه عناصر لازم برای دستیابی مجدد به اکسیر جادویی «انزوای سیاسی - اقتصادی» و شناور شدن در «نعمت‌الهی» جنگ فراهم آمده.

این اکسیر جادویی به حکومت جمکران اجازه می‌دهد برای تضمین حیات ننگین‌اش بار دیگر خود را در شرایط جنگ با «صدامیان کافر» قرار داده، و با اسباب‌کشی از جبهه جنگ «حق علیه باطل» در عراق به عربستان، اینبار شیعیان یمن را نیز «آزاد» کند. تعجبی هم ندارد، حکومت جمکران به عنوان ساختاری پوشالی و دست‌نشانده استعمار، یک «توده ابر مبهم» است که طرفداران و دشمنان‌اش نیز الزاما از همین ویژگی برخوردار می‌شوند. همانطور که «مردم» طرفدار فرضی حکومت اسلامی از صدر اسلام به هزاره سوم اسباب‌کشی فرموده‌اند، «صدامیان کافر» هم از عراق رفته‌اند به عربستان! پس لازم است «نبرد» با آنان در عربستان ادامه یابد. می‌دانیم که جنگ داخلی یمن به همت دو سناتور خداجو، حق‌طلب و اسرائیل‌پرست، یعنی مک‌کین و «جو لیبرمن» به راه افتاد، و اکنون عربستان هم درگیر آن شده. برای فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت مبارزین «راه حق»، یک نمایشگاه از تسلیحات آخرین مدل نیز در همان

حوالی، یعنی در امارات بر پا شد تا تحویل توپ و تفنگ به طرفین به صورت همزمان و با رعایت «عدالت علوی» امکانپذیر شود.

پس از ابراز تمایل هیزاکسنسی به «تعامل» با ایران، امروز چارچوب «تعامل» کذا کمی مشخص شد و متوجه شدیم، ورود ایران به جنگ عربستان و یمن، تجهیز حکومت اسلامی به سلاح اتمی و ایجاد محور «غزه - اسلام آباد» در این چارچوب مقدس قرار می‌گیرد. از اینروست که وال‌سترتیت جورنال، ورق پاره «روپرت مردخای» در جایگاه خداوند ابراهیم نشسته و همانطور که بالاتر گفتیم خواست قلبی «همه ایرانیان» را به اطلاع جهانیان رسانده. به ادعای بوق جنگ‌فروشان دو سوی آتلانتیک، ما ملت آرزوئی جز بازگشت به دوران «امام روشن ضمیر» و حکومت «سکولار» شیخ مهدی بازرگان نداریم و مرتب در حسرت این دوره پرشکوه از ته دل «آه» می‌کشیم؛ البته گویا خودمان نمی‌دانیم، چرا که وال‌سترتیت جورنال بهتر می‌داند ما چه می‌خواهیم.

بله، این قماش «دانائی» یکی از امتیازات ویژه خداوندی است! خداوند می‌داند شما چه می‌خواهید، در کتب مقدس هم چنین آمده. ولی در این دوره و زمانه اوضاع کمی تفاوت کرده! ما هم از «خواست خداوند» آگاه شده‌ایم، چرا که ما در جرگه «بندگان» ایشان نیستیم! باری در کتب مقدس آمده است که خداوند آنچه را که بندگان‌اش «باید بخواهند» به آنان اعطاء می‌کند، چراکه خداوند صلاح و مصلحت بندگان‌اش را بهتر از آنان می‌شناسد. و ما هم از صلاح و مصلحت «خداوند» و بندگان‌اش در جمکران «خبر» موثق داریم. اینبار خداوند و بندگان‌اش در هم‌سوئی کامل با یکدیگر خواهان گسترش جنگ در منطقه‌اند. مصلحت تفنگ‌فروشان چیست؟ همان

گسترش جنگ. مصلحت حکومت جمکران یا «بندگان» خداوند هم شرکت فعال در سیاست‌های جنگ‌افروزانۀ واشنگتن است. این مطلبی است که در خطبه‌های نماز جمعۀ امروز مطرح شده.

می‌بینیم که سناریوی «تعامل» هیزاکسنلسی چنین است: نخست پشتیبانی نظامی حکومت اسلامی از جنگی که آمریکا در یمن به راه انداخت و عربستان را به آن وارد کرد. ورود به این جنگ برای شانه‌خالی کردن از تعهدات ژنو و انکار توافقاتی وین الزامی است. در این سناریو، انگلستان از همراهی و همکاری گروه اوپاما، دولت اسرائیل و هم‌سوئی رهبر فرزانه، «مجلس» حلقه‌به‌گوشان و وزارت امور خارجه جمکران اطمینان کامل دارد. چرا که برخلاف مهرورزی، اینان از پذیرفتن تعهدات‌شان در ژنو و در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طفره می‌روند. به این ترتیب یکبار دیگر صف‌آرایی واقعی دو جناح آب‌منگل‌ها مشخص می‌شود. علی‌خامنه‌ای به همراه لاریجانی‌ها و اکبر بهرمانی در صف «طاعون سبز» قرار گرفته و مخالف‌نمایان حکومت به دروغ‌خامنه‌ای را حامی احمدی‌نژاد معرفی می‌کنند. چرا که «رهبر فرزانه» بی‌نهایت منفور است و اگر حمایت‌اش از «طاعون سبز» آشکار شود، رسوائی «افتضاحات» جمکران و فریبکاری محفل کودتا تیر خلاصی خواهد بود بر پیکر نیمه‌جان «طاعون سبز» و نظام «مستقل» توحش.

از اینرو قلم به مزدهای جمکران، و در رأس آنان پاسدار شریعتمداری تلاش دارند خامنه‌ای را مدافع بی‌قیدوشرط احمدی‌نژاد جلوه دهند. حال آنکه رهبر فرزانه و رهبران مفلوک طاعون سبز سر در آخور مشترکی دارند. «تعامل» حاکمیت انگلستان با

حکومت جمکران در واقع با هدف کنار زدن احمدی‌نژاد از طریق «بازتولید» همان شرایطی است که طبق روایات و قصص گورکن‌ها در آن «مجلس» در رأس امور قرار داشت، و مقتدر و همه‌کاره. حال آنکه چنین قدرت افسانه‌ای ناشی از حضور اراذل و اوباش یا همان «مردم» کذا در خیابان‌ها بوده، چه در دوران آخوند مدرس، چه در دوران مصدق و چه در دوران حکومت توحش. بگذریم و بازگردیم به سخنرانی مشاور اوپاما در دانشگاه تل‌آویو. ترجمۀ این سخنرانی در سایت نووستی، مورخ ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۸۸ موجود است.

گویا «بروس ریدل»، مشاور اوپاما در امور آسیا و خاور نزدیک در دانشگاه تل‌آویو سخنرانی مبسوطی ایراد کرده و برای تداوم لات‌بازی و قانون‌شکنی در عرصه بین‌المللی به حکومت اسلامی چراغ سبز نشان داده. ایشان گفته‌اند، ما برای تهاجم نظامی به ایران امکانات کافی نداریم. ریدل همچنین در مصاحبه با «جرزالم پست» می‌گوید «به‌های» حل مشکلات افغانستان خودداری از عملیات نظامی در ایران است. البته روی سخن مشاور اوپاما در واقع با روسیه است نه با اسرائیل! مستر ریدل به روسیه هشدار می‌دهد که در صورت ممانعت از تجهیز گورکن‌ها به سلاح هسته‌ای، نه تنها مشکل «طالبان» در افغانستان حل نشده باقی می‌ماند که پاکستان به عنوان مرکز تروریست‌ها با سلاح اتمی‌ای که در اختیار دارد می‌تواند به کانون تروریسم جهانی تبدیل شود. باید ببینیم پاکستان چگونه می‌تواند بدون حمایت آمریکا، چین و فرانسه در چنین

جایگاهی قرار گیرد؟ پس مستر ریدل را در همینجا رها می‌کنیم و بازمی‌گردیم به «وقوقیه» امروز تهران.

آخوند صدیقی پس از زدن نعل وارونه و شاخ و شانه کشیدن برای ارباب، به یمن و عربستان پارس کرده، در پایان وقوقیه به این نتیجه می‌رسد که دنیا محل زندگی «انسان» نیست. سپس ایشان به گزاف خود را نیز در زمره انسان‌ها قرار داده، می‌فرمایند «ما» باید در آن جهان زندگی کنیم. صدیقی ادامه می‌دهد، در این دنیا باید «کشت» کرده محصول را در آن جهان برداشت کنیم. بله این نوع کشت و زرع «دینی» و «معنوی» است که هرگز «ثمری» برای کشاورز به بار نخواهد آورد، درست مانند حکومت دینی که پیروانش شب و روز را با یاد «دشمن» می‌گذارند و جز «دشمن‌پرستی» هیچ نمی‌شناسند:

«دنیا محل زندگی انسان نیست و دنیای آخرت، آغاز زندگی ماست [...] توشه دنیای آخرت را باید از دنیای فعلی ذخیره کنیم. این دنیا مزرعه است و باید همه زراعت کنیم و حاصل آن بعد از زندگی دنیا به ما باز می‌گردد [...] لحظه‌ای بدون دشمن به سر نمی‌بریم و خداوند شیطان را به عنوان دشمن ما معرفی کرده است [...] حساسیت در برابر دشمنان و خائن‌ان شرط لازم برای پیروزی علیه دشمنان است.»

عبارت «پیروزی علیه دشمنان» را به گنجینه ادب چاه جمکران اضافه کنیم. تا پیش از وقوقیه اخیر می‌پنداشتیم «بر دشمن» پیروز می‌شوند، نه بر علیه دشمن! این گورکن‌ها جز واژگون‌نمائی شیوه دیگری نمی‌شناسند. فارس نیوز، مورخ ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۸۸ به نقل از حاجیه الهه کولائی می‌نویسد، «دسته بیل» هم از اندونزی وارد می‌کنند! شاید این آخوند صدیقی هم یکی از همین دسته‌بیل‌ها باشد که برای بیل زدن «معنوی» و کشاورزی «دینی» از اندونزی وارد کرده‌اند، و به دلیل همنشینی با «آیات عظام» مترقی و به خواست قادرمتعال «سخنگو» از آب درآمده و ما نمی‌دانستیم! پس مسلماً «وال‌ستريت جورنال» که از همه اسرار نهان «آگاه» است، در مورد این قماش دسته بیل خیلی چیزها می‌داند. همین روزهاست که ارتباط این دسته‌بیل با دولت سکولار شیخ مهدی علنی شده، وال‌ستريت‌جورنال بنویسد:

نخستین «دسته بیل» آیت‌الله خمینی پس از بازگشت از تبعید سکولار بود [...]!